

انس با کتاب در مدرسه

متن سخنرانی علی اکبر اشعری، مشاور فرهنگی رئیس جمهور در مراسم
افتتاحیه‌ی ششمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد

بسم الله الرحمن الرحيم. هفته‌ی کتاب فرصتی است برای مرور کارهای انجام شده و این که مجموعه‌ی فعالیت‌ها در معرض نقد و بررسی قرار گیرند، تا مسئولان با در اختیار گرفتن نتایج مباحث بتوانند برنامه‌های آتی خود را بهتر برنامه‌ریزی کنند.

من وقتی معلم بودم فکر می‌کردم، چه باید کرد تا دانش آموز، وقتی به آخر سال رسید، کتابش را به گوشه‌ای پرت نکند و بگوید راحت شدم. تلاش کردم در تدریس از روشی دیگر استفاده کنم. به جای این که من مطالب را به او یادآوری کنم، او را راهنمایی کنم تا خودش مطالب را از لابه‌لای کتاب‌ها پیدا کند و در کلاس به صورت کنفرانس ارائه دهد. سعی داشتم، کنجکاوی دانش‌آموزان را نسبت به برخی از مسائل تحریک کنم.

بعدها وقتی به «انتشارات سروش» آمدم، فکر کردم چه باید کرد تا انبار مملو از کتاب که طی سال‌ها گرد آمده و به سرمایه‌ی مادی قابل توجهی تبدیل شده است و کسی از کتاب‌هایش بهره نمی‌گیرد، خالی شود و کتاب‌های آن به دست اهلهش برسد.

به عنوان ناشر سعی کردیم ببینیم، مردم برای خواندن به دنبال چه کتاب‌هایی می‌گردند. دریافتیم که آن‌ها علاقه دارند، کتاب زیبا باشد و بتوانند با صفحات آن انس پیدا کنند، کوشیدیم طراحی کتاب‌ها زیبا باشد و از نویسندگان خواستیم، کتابی که تولید می‌کنند، هم متناسب با نیاز جامعه باشد. و هم مخاطب را به طرف خودش جذب کند.

وقتی موفق شدیم کتاب‌های خوبی را چاپ کنیم، دیدیم فقط نویسنده و ناشر از این کتاب خبر دارند. حالا باید راهی پیدا می‌کردیم که مردم متوجه چاپ این کتاب‌ها بشوند. به فکر تبلیغات افتادیم و چون پشتوانه‌ی «سروش» صدا و سیما بود، تصمیم گرفتیم از تیزر تبلیغاتی کتاب استفاده کنیم. تبلیغات که صورت گرفت، دیدیم مردم تماس می‌گیرند که فلان کتاب را از کجا می‌توانیم تهیه کنیم. به دلیل عمر کوتاه کاری من در انتشارات سروش، نتوانستیم این مشکل را حل کنیم.

بعد که به کتاب‌خانه ملی آمدم، با خودم گفتم، چه کنم تا تعداد مراجعین به کتاب‌خانه‌ی ملی که شاید روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر بود، به چند هزار نفر برسد.

فکر کردیم بیاییم موانع کتاب‌خوانی را برطرف کنیم، مخاطبین اصلی ما دانشجویان و استادان هستند که وقتی کتاب‌خانه‌ی ملی دایر است، آن‌ها سر کلاس حضور دارند و وقتی آن‌ها تعطیل می‌شوند، ما هم تعطیل می‌شویم. آمدیم ساعت کاری روزانه‌ی کتاب‌خانه را از ۸ صبح تا ۱۰ شب اعلام کردیم و روزهای تعطیل سال را، به جای ۵۰ تا ۶۰ روز، به سالی ۳ روز رساندیم. پس از دو سال، تعداد مراجعه‌کنندگان ما به ۱۰ برابر رسید. کسی هم به عنوان قرائت‌خانه به آن‌جا نمی‌آمد، چون دوستان ما نمی‌گذارند کسی کتاب به سالن ببرد، بلکه از منابع همان‌جا استفاده می‌کنند.

این نکات را عرض کردم تا خدمت شما بگویم، ما تا به حال بحث‌های کارشناسی زیادی

۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۶

داشته ایم، برای این که موانع کتاب خوانی را در جامعه شناسایی کنیم. حالا وقت آن رسیده است که این گفت و گوها و نظریات را جمع کنیم و چون مجموعه‌ی دست‌اندر کاران همدلی دارند، با هم بنشینیم راهی برای اجرا بیابیم. تجمعی از تمام کسانی که با کتاب سرو کار دارند تشکیل بدهیم و با هم رایزنی کنیم. همه‌ی پژوهش‌هایی را که انجام داده‌ایم، کنار هم بگذاریم و راهکار مناسبی پیدا کنیم. لازم است، همه‌ی دوستان عضو نهادهایی که با نشر و تبلیغات کتاب سرو کار دارند جمع شوند تا ببینیم، این تجربه‌ی جدید چه بازدهی خواهد داشت.

اما در میان بحث‌ها و گفت و گوها در این زمینه، نکته‌ای که همه‌ی کارشناسان در مورد راه‌های گسترش فرهنگ کتاب خوانی به آن اشاره دارند و برادر عزیزم، آقای محقق نیز به آن اشاره کردند، این است که کتاب خوانی باید از سنین پایین عادت داده شود. باید شرایطی فراهم آورد تا حالات و شیرینی مطالعه در همان سنین کودکی درک شود. مثلاً ممکن است به صدا و سیما پیشنهاد کنیم، در بعضی از برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی، کتاب را به عنوان یکی از ضروریات زندگی مطرح کنند. یا این نکته را مطرح کنیم که یکی از راه‌های خوب پر کردن اوقات فراغت، مطالعه‌ی کتاب است.

با کسانی که در جمع ما نیستند، صحبتی نداریم. صحبت ما با خودمان است. من می‌گویم، وقتی فرهنگ کتاب خوانی در کشور ما شکل می‌گیرد که دانش آموز، آخر سال یا آخر ترم، کتابش را به گوشه‌ای پرت نکند و با کتاب انس بگیرد. با این روش که معلم سر کلاس به دانش آموزان تمام مسائل را از الف تا ی بگوید و تکلیفی هم به او بدهد، و یا با مطالعه‌ی کسالت‌آور استرس‌زای شب امتحان، نمی‌توان در جامعه فرهنگ مطالعه به وجود آورد.

پیشنهاد ما این است که معلم در واقع نقش راهنما را ایفا کند و دانش آموز را به سمت کتاب‌خانه‌ها و آزمایشگاه‌ها راهنمایی و هدایت کند.

کشف حقیقت لذتی دارد که وصف کردنی نیست. هر کتاب باید دریچه‌ای باشد تا انسان را به فضاهای بزرگ‌تر بعدی هدایت کند.

به هر حال خواستیم، نکته‌ای را که باید در یک جمع فرهیخته گفت، در جمع شما بگوییم: «انس با کتاب را در مدرسه جدی بگیریم.»

